



قلمش

اصحاب بهشت و اصحاب جهنم



سلسله بحث‌های قیامت‌شناسی
دکتر سید محسن میرباقری، مدرس دانشگاه فرهنگیان

مروری بر مباحث پیشین

در مقاله پیش درباره موضوع «روانۀ شدن بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم» مطالبی بیان شد؛ بهشتیان گروه‌گروه از راه‌های آسمانی وارد بهشت می‌شوند و این در حالی است که پیش از ورود آنان به آنجا، درهای بهشت گشوده است و آنان مورد تکریم مأموران بهشت قرار می‌گیرند. جهنمیان نیز گروه‌گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند. هنگام رسیدن به آنجا درهای جهنم باز می‌شود و هر گروه در جای مخصوص خود افکنده می‌شود. در این جلسه، این دو گروه و اعمال آن‌ها را که سبب بهشتی و جهنمی شدن آن‌ها می‌شود، بررسی می‌کنیم.

اصحاب بهشت و اصحاب جهنم در آمد

قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) همچنان که درباره اصل معاد و ماجراهای عالم آخرت به روشنی و کمال بحث کرده‌اند، در

زمینۀ ویژگی‌های اهل بهشت و جهنم هم سخن بسیار گفته‌اند که باید به آن‌ها توجه کنیم.

تمنای بهشت همواره شیوۀ اولیای خدا بوده است. همچنان که قرآن کریم از زبان ابراهیم خلیل (ع) نقل می‌کند که چنین دعا می‌کرد: «و لا تخزنی یوم یبعثون * ...؛ و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن. یوم لا ینفع مال و لا بنون * إلا من أتى الله بقلب سلیم» (شعراء/ ۸۹ - ۸۸): روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد، مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد.

و همین‌گونه از زبان آن حضرت نقل می‌کند که این‌گونه درخواست می‌کرد:

«واجعلنی من ورثة جنة النعیم» (همان/ شعراء/ ۸۵): و مرا از وارثان بهشت پُر نعمت گردان. مشاهده می‌کنیم که پیامبران بزرگ این چنین درخواست کرده‌اند. پس توجه به بهشت، مطلوب قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

جهنمیان و اعمال آن‌ها در قرآن

۱. کافران

«فاتقوا النار التي وقودها الناس و الحجاره أعدت للكافرين» (بقره/ ۲۴): پس، از آتش دوزخ پرهیز کنید؛ آتشی که شعله‌ساز آن، آدمیان‌اند و سنگ‌ها.

در قرآن کریم درباره اینکه کفار و منافقان و یا ظالمان، مشرکان، مستکبران و ... گرفتار جهنم می‌شوند، ده‌ها آیه دیده می‌شود. برای ملاحظه این آیات می‌توان به کتاب‌هایی که آیات قرآن را به صورت موضوعی دسته‌بندی کرده‌اند، مراجعه کرد. از جمله آن‌ها «جلد سوم الفهرست الموضوعی لآیات القرآن» است (محمدیان/ ج ۳: ۲۰۱ - ۱۹۳). کفر مصادیق گوناگونی دارد که شامل کفر به خدا، معاد، نبوت و امامت است، ولی قرآن کریم در مواردی به صورتی خاص از کفر تصریح می‌کند؛ مانند:

الف. تکذیب آیات الهی و کفر به آن‌ها

هرچند آیات الهی مصادیق گوناگونی دارند، ولی آیاتی که قرآن کریم دروغ پنداشتن آن‌ها را موجب جهنمی شدن می‌داند، معمولاً آیات کتاب‌های آسمانی و شریعت پیامبران الهی، به‌ویژه آیات قرآن و شریعت اسلام هستند. برای نمونه به آیات زیر توجه کنید:

«قل هل ننبئکم بالأخسرین أعمالاً * الذین ضل سعیرهم فی الحیاة الدنیا و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعا * اولئک الذین کفروا بآیات ربهم و لقاؤه فحیبت أعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامة وزنا * ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا واتخذوا آیاتی و رسلی هزوا» (کهف/ ۱۰۵ - ۱۰۳)

«والذین کفروا بآیاتنا هم أصحاب المشئمة * علیهم نار مؤصدة» (بلد/ ۲۰ - ۱۹). و آنان که به آیات ما کافر شوند، آن‌ها اصحاب شومی و شقاوت‌اند و بر آنان آتشی سرپوشیده است.

ب. تکذیب قیامت

«بل کذبوا بالساعة و أعتدنا لمن کذب بالساعة سعیرا» (فرقان/ ۱۱): بلکه این کافران ساعت قیامت را تکذیب می‌کنند و ما آتش سوزان دوزخ را برای کسانی که قیامت را انکار کنند، مهیا کرده‌ایم.

ج. کفر به ولایت الهی

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات إلی

اما ترس مؤمن از عذاب جهنم هم مطلوب خداست. مؤمن همواره باید در خوف و رجا باشد؛ هم نگران از عذاب الهی و هم امیدوار به رحمت‌های او. از این‌رو، بیدار دلان شب، با این دو انگیزه خود را از بستر جدا می‌کنند:

«تتجافی جنوبهم عن المضاجع ...»: پهلوهایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌شود.

«یدعون ربهم خوفا و طمعا»: [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند.

«و مما رزقناهم ینفقون»: و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

«فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قره أعین جزاء بما کانوا یعملون»: (سجده/ ۱۶ - ۱۷): هیچ‌کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند، برای آنان پنهان شده است. بنابراین، توجه به جهنم موجب می‌شود انسان مؤمن به اعمالی که موجب جهنمی شدن است، توجه و از آن‌ها پرهیز کند و توجه به بهشت نیز موجب می‌شود انسان مؤمن به اعمالی که موجب بهشتی شدن است، توجه کند.

می‌دانیم که سعادت اخروی بر ایمان و اعمال نیکو مبتنی است و برعکس، نرسیدن به رستگاری و گرفتار شدن در عذاب الهی، نتیجه روی گردانی از این دو امر است:

«والعصر * ...»: سوگند به زمان [غلبه حق بر باطل].

«إن الإنسان لفی خسر * ...»: که واقعاً انسان دستخوش زیان است.

«إلا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» (عصر/ ۱-۳): مگر کسانی که گروهی و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند. همه انسان‌ها در زیان‌اند، چرا که عمر خود و عصر و زمان خود را که سرمایه بزرگ آن‌ها برای تدارک حیات آخرت است، به رایگان از کف می‌دهند. اگر همه دنیا را هم به آن‌ها بدهند، ولی آن‌ها توشه‌ای برای آخرت بر ندارند، باز زیان می‌کنند، چون همه دنیا را می‌گذارند و می‌روند. ولی یک دسته در زیان نیستند. آن‌ها همان اهل ایمان هستند که اولاً کارهای نیک انجام می‌دهند و ثانیاً یکدیگر را به صبر و حق سفارش می‌کنند.

اکنون برخی از موارد مهمی را که قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در این زمینه ذکر کرده‌اند، بیان می‌کنیم:



توجه به جهنم موجب می‌شود انسان مؤمن به اعمالی که موجب جهنمی شدن است، توجه و از آن‌ها پرهیز کند و توجه به بهشت نیز موجب می‌شود انسان مؤمن به اعمالی که موجب بهشتی شدن است، توجه کند

الملائكة ظالمی أنفسهم قالوا فیم كنتم قالوا كنا مستضعفین فی الأرض قالوا ألم تكن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها فأولئك ماأوهم جهنم و ساءت مصیرا» (نساء/ ۹۷): کسانی که فرشتگان در حالی قبض روحشان می کنند که خود را ظلمانی و سیاه کرده اند، بدان ها می گویند: «در چه وضعی بودید که این چنین آلوده آمده اید؟» پاسخ می دهند که ما در زمین مردمی ضعیف و ناتوان نگهداشته شده بودیم. فرشتگان می گویند: «مگر زمین خدا پهناور نبود که در آن جا هجرت کنید (و شرایط پاکیزه ای برای خود فراهم کنید) در نهایت ماوای این افراد جهنم خواهد بود و آن بد بازگشتگاهی است.

در روایت اهل بیت (علیهم السلام) ظالم بر نفس کسی است که در زندگی دنیا تنها بر گرد نفس خویش گشته و تنها خواسته های دل خود برای او ملاک بوده باشد.^۲

۵. مستکبران

استکباری که قرآن کریم بسیار بر آن تأکید می کند و آن را موجب جهنمی شدن می داند، استکبار در برابر پیامبران الهی و دین و شریعت آسمانی است: «والذین کذبوا بآیاتنا واستكبروا عنها أولئك أصحاب النار هم فیها خالدون» (اعراف/ ۳۶): آنان که آیات ما را تکذیب کنند و از سرکشی و تکبر سر بر آن فرود نیاورند، اهل دوزخ اند و در آن همیشگی خواهند بود.

۶. عصیانگران (اهل معصیت)

«و من یعص الله و رسوله و یتعد حدوده یدخله ناراً خالداً فیها و له عذابٌ مهین» (نساء/ ۱۴): و هر که نافرمانی خدا و رسول خدا کند و از حدود و احکام الهی تجاوز نماید، خداوند او را به آتشی درافکند که همیشه در آن خواهد بود و عذابی ذلت بار برای اوست.

جالب است که در آیه پیشین، برای اطاعت کنندگان از خدا و رسول او (ص) وعده بهشت مخلد و رستگاری بزرگ می دهد.

۷. پیروی کنندگان از شیطان

«قال أذهب فمینی تبعك منه فین جهنم جزاؤکم جزاءً موفورا» (اسراء/ ۶۳): (خداوند پس از تهدید شیطان به گمراه کردن بنی آدم) بدو فرمود: «برو (مهلت داری)، اما هر کس از آدمیان پیرو تو گردد، سزای شما همگان از آدمی و شیطان جهنم خواهد بود؛ سزایی کامل و سرشار».

النور والذین کفروا أولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور إلى الظلمات أولئك أصحاب النار هم فیها خالدون» (بقره/ ۲۵۷): خدای رحمان سرپرست اهل ایمان است که آنان را از تاریکی ها به سوی نور برون می کشد و آنان که به این امر (یعنی ولایت الهی و ولایت ولی تعیین شده از طرف خدا) کفر بورزند، سرپرست و حامی شان سرکشان طاغوت خواهد بود که پیروان خود را از نور به سوی تاریکی ها برون می کشند. این کافران برای همیشه اهل آتش خواهند بود.

۲. مشرکان

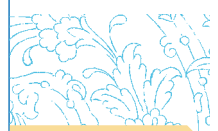
البته شرک خود مصداق روشنی از کفر است، ولی قرآن کریم آن را به طور جداگانه مطرح کرده است: «إن الذین کفروا من أهل الكتاب والمشرکین فی نار جهنم...» (بینه/ ۶): آن دسته از یهود و نصاری که به قرآن کافر شوند، با مشرکان در آتش دوزخ جا دارند.

۳. منافقان

«إن المنافقین فی الدرك الأسفل من النار لن تجد لهم نصیرا» (نساء/ ۴۵): به تحقیق، منافقان در پست ترین جایگاه جهنم اند و برای آنان یابوری نخواهی یافت.

۴. ظالمان

ظلم و ظلمت هر دو از یک ریشه اند. ظلمت به معنای تاریکی است و ظلم چیز ناحقی است که در غیر جایگاه خود قرار گرفته باشد.^۱ که طبعاً این گونه اعمال موجب ظلمت نفس می شود. قرآن کریم پی در پی از افرادی که بر خود ظلم می کنند، سخن می گوید. گویا منظور از آن ها کسانی هستند که در گذرگاه زندگی دنیا نفس و روح خویش را با کفر و گناه ظلمانی کرده اند و فرشتگان الهی در دم مرگ از این همه ظلمت و آلودگی آنان تعجب می کنند (نساء/ ۹۷). این معنا هنگامی روشن تر می شود که قرآن ظالمان را در دم مرگ در تقابل با طیبین قرار می دهد. قرآن در آیه ۲۸ سوره مبارک نحل، برخورد ملامت آمیز فرشتگان را با ظالمان بر نفس مطرح می کند و در آیه ۳۲ همین سوره، سلام فرشتگان را در هنگام مرگ بر «طیبین» بیان می کند. قرآن کریم درباره ظالمان بر نفس، که با کفر و گناه و ستم بر دیگران، روح و جان خود را به سیاهی و ظلمت کشانده اند، وعده عذاب و آتش جهنم می دهد: «إن الذین توفاهم



در روایت اهل بیت (علیهم السلام) ظالم بر نفس کسی است که در زندگی دنیا تنها بر نفس خویش گشته و تنها خواسته های دل خود برای او ملاک بوده باشد

۸. دنیامحوران

«فأما من طغى * و اثر الحياة الدنيا * فأن الجحيم هی المأوی» (نازعات/ ۳۹ - ۳۷): پس هر کس بر خدای خود سرکشی و طغیان کند و زندگی دنیا را (بر زندگی آخرت) گزین کرده باشد، بی شک دوزخ جایگاه او خواهد بود.

۹. مسرفان (اهل اسراف و تندروی)

«أن المسرفین هم أصحاب النار» (غافر/ ۴۳): البته اسرافکاران (و تجاوزگران تندرو) اهل آتش خواهند بود.

۱۰. عیب‌جویان هرزه‌زبان

«ویل لكل همزة لمزة * الذی جمع مالا و عدده * یحسب أن ماله أخلده * کلا لینبذن فی الحطمة * و ما أدراک ما الحطمة * نار الله الموقدة * التی تطلع علی الأفتدة * إنها علیهم مؤصدة * فی عمد ممددة» (همزه): وای بر هر عیب‌جوی هرزه‌زبان، همان کسی که مال اندوخته و با شادمانی به شمارش و آمار آن پرداخته است. تصور می‌کند که مال فراوان زندگی او را جاوید خواهد کرد! هرگز چنین نیست! بلکه به آتش در هم شکننده دورخ افتد. چگونه تصور می‌کنی که آتش حطمه چیست؟ آن آتش را (خشم) خدا افروخته است، شراره آن بر دل‌ها شعله‌ور خواهد بود؛ آتشی که آن‌ها را احاطه کرده است و مانند ستون‌های بلند زبانه می‌کشد.

این‌ها مواردی از عوامل و ویژگی‌هایی هستند که موجب جهنمی شدن افراد می‌شوند. البته موارد بسیار دیگری نیز در آیات و روایات آمده‌اند.

جهنمیان و اعمال آن‌ها در روایت

امام صادق (ع)

بنابر روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت گناهان کبیره‌ای را که موجب جهنمی شدن انسان می‌شود، با استناد به آیات قرآن کریم، به این صورت نام برده‌اند.^۲

۱. شرک به خدای رحمان؛ زیرا خداوند فرموده است هر کس شرک بورزد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند (مائده/ ۷۲).

۲. نومید شدن از رحمت خدا؛ زیرا خدای رحمان فرموده است از رحمت خدای رحمان نومید نمی‌شوند، جز کافران (یوسف/ ۸۷).

۳. ایمنی از مکر و برنامه‌های الهی؛ زیرا خدای رحمان فرموده است که از مکر خدا ایمن

نمی‌گردند، جز گروه زینکاران (اعراف/ ۹۹).

۴. آزار رساندن به پدر و مادر؛ زیرا خدای رحمان فرموده است که عاق والدین را ستمگر و تیره‌بخت قرار داده است (مریم/ ۳۲).

۵. کشتن به ناحق نفسی که خداوند کشتن او را حرام کرده است؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد، کيفر او جهنم همیشگی است» (نساء/ ۹۳).

۶. نسبت ناروا دادن به زن شوهردار؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «چنین کسانی در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و عذابی بزرگ برای آنان است» (نور/ ۲۳).

۷. خوردن مال یتیم؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «این افراد در شکم‌هایشان آتش می‌خورند و به زودی به آتش فروزان درآیند» (نساء/ ۱۰).

۸. فرار از جهاد؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «هر کس در معرکه جنگ به آن‌ها پشت کرده و فرار کند، به سوی غضب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ است که بدترین منزلگاه است؛ مگر اینکه برای مصالح جنگی تغییر مکان دهد یا برای جا گرفتن در گروهی از رزمندگان باشد» (انفال/ ۱۶).

۹. رباخواری؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «کسانی که ربا می‌خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند، جز به‌مانند آنکه به وسوسه شیطان مخبط و دیوانه شده است» (بقره/ ۲۷۵).

۱۰. سحر؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «و محققاً (اهل سحر) می‌دانستند که هر کس با سحر تجارت کند، در عالم آخرت بهره‌ای نخواهد داشت».

۱۱. زنا؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «هر کس این عمل را انجام دهد، عقوبت می‌شود و عذاب او در قیامت دوچندان می‌شود و با ذلت و خواری در عذاب جاوید می‌ماند» (فرقان/ ۷۰ - ۶۹).

۱۲. سوگند دروغ نابکارانه؛ زیرا خدای عزوجل فرموده است: «آنان که عهد و پیمان الهی و سوگندهایشان را به بهایی اندک می‌فروشنند، در آخرت هیچ بهره‌ای برای آن‌ها نیست» (آل عمران/ ۷۷).

۱۳. خیانت و ناراستی؛ زیرا خدای عزوجل فرموده است: «و هر کس خیانت کند (و غنیمت جنگی را مخفیانه برای خود نگه دارد)، روز قیامت با همان بیاید» (آل عمران/ ۱۶۱).

۱۴. خودداری از پرداخت زکات واجب؛

خدای عزوجل

می‌فرماید:

«کسانی که ربا

می‌خورند (از

قبر در قیامت)

برنخیزند، جز

به‌مانند آنکه به

وسوسه شیطان

مخبط و دیوانه

شده است»



ظلم و ظلمت
هر دو از یک ریشه‌اند. ظلمت به معنای تاریکی است و ظلم چیز ناحقی است که در غیر جایگاه خود قرار گرفته باشد که طبعا این گونه اعمال موجب ظلمت نفس می‌شود

زیرا خدای عزوجل فرموده است: «پیشانی و پشت و پهلوئی آن‌ها را بدان داغ کنند» (توبه/ ۳۵).

۱۵. شهادت دروغ و کتمان شهادت: زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «کسی که کتمان شهادت کند، البته قلبش گناهکار است» (بقره/ ۲۸۳).

۱۶. شرب خمر (شرابخواری): زیرا خدای عزوجل از آن نهی کرده است؛ همچنان که عبادت بت‌ها را نهی کرده است.^۴

۱۷. ترک عمدی نماز یا ترک کاری که خداوند آن را واجب ساخته است: زیرا رسول خدا فرموده است: «کسی که نماز را از روی عمد ترک کند، از کفالت و حمایت خدا و رسول او خارج می‌گردد».

۱۸. پیمان شکنی و قطع رحم: زیرا خدای عزوجل فرموده است: «برای چنین کسانی لعنت و منزلگاه سخت و بدی خواهد بود» (رعد/ ۲۵). چون سخن امام صادق (ع) بدین جا رسید، **عمر بن عبید** (که درباره گناهان کبیره از امام پرسش کرده بود)، برخاست و بیرون رفت، در حالی که صدای گریه‌اش به گوش می‌رسید و می‌گفت: «هر کس به رأی خود سخن بگوید و با شما خاندان پیامبر در فضل و دانش به نزاع برآید، هلاک می‌شود» (حر عاملی، ج ۱۱: ۲۵۲).

بهبشتیان و اعمال آن‌ها

ویژگی‌های اهل جهنم ذکر شد. قرآن کریم برای رستگاران نیز ویژگی‌هایی را بیان می‌فرماید که برخی از آن‌ها چنین است:

۱. مؤمنان نیکوکار

«والذین آمنوا و عملوا الصالحات أولئك أصحاب الجنة هم فیها خالدون» (بقره/ ۸۲): و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، آنان اهل بهشت‌اند و در آنجا جاودانه خواهند بود. قرآن کریم همه انسان‌ها را در زیانمندی می‌داند؛ مگر آن‌ها که ایمان بیاورند و اعمال صالح انجام دهند و یکدیگر را به حق و صبر سفارش کنند (سوره العصر).

ایمان در قرآن کریم تعریف شده و شامل ایمان به خدا و روز جزا و نیز ایمان به پیامبران و امامت امامان معصوم (علیهم‌السلام) تا وجود مقدس امام زمان (عج) است. ایمان به منزله ثبت‌نام در مکتب پیامبران و اولیای خدا و عضویت در مدرسه و مکتب الهی، و اعمال نیکو به منزله فعال بودن در

انجام تکالیف درسی است. این دو (ایمان + اعمال نیکو) رمز اصلی فلاح و رستگاری انسان‌هاست و می‌بینیم که قرآن کریم انسان‌هایی را رستگار می‌شناسد که این دو ویژگی را دارا باشند. آنجا که می‌فرماید: «قد أفلح المؤمنون»: به تحقیق مؤمنان رستگار شدند.

نخستین شرط فلاح و رستگاری، ایمان است.

قرآن در ادامه به بیان موارد مهم و اصلی اعمال صالح می‌پردازد که شرط دوم رستگاری است. مؤمنانی رستگار می‌شوند که به انجام اعمال نیکوی زیر مبادرت ورزند:

الف. خشوع در نماز: «الذین هم فی صلاتهم خاشعون»

ب. روی گرداندن از لغو و بیهودگی: «والذین هم عن اللغو معرضون»

ج. پرداخت زکات: «والذین هم للزکاة فاعلون»

د. حفظ دامن: «والذین هم لفروجهم حافظون * إلا علی أزواجهم أو ما ملکت أیمانهم فإنهم غیر ملومین * فمن ابتغی وراء ذلک فأولئک هم العادون»

ه. وفای به عهد و ادای امانت: «والذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون»

و. محافظت بر نماز: «والذین هم علی صلواتهم یحافظون»

سپس به چنین افرادی وعده بهشت می‌دهد و می‌فرماید: «اولئک هم الوارثون * الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون» (مؤمنون/ ۱۱ - ۱). همین مضامین را با اندکی تفاوت در سوره معارج می‌یابیم (۳۵ - ۲۳).

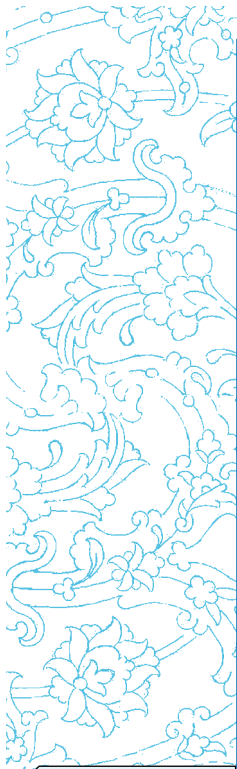
۲. پرهیزگاران

«و سارعوا إلى مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات و الأرض أعدت للمتقین» (آل عمران/ ۱۳۳): و بشتابید به سوی مغفرتی از پروردگارتان و به سوی بهشتی که پهنه آن به اندازه آسمان‌ها و زمین است و برای اهل تقوا مهیا شده است. و سپس در وصف پرهیزگاران می‌فرماید: «الذین ینفقون فی السراء و الضراء...» آن‌ها که

در حال وسعت و تنگدستی انفاق می‌کنند.

«والکاظمین الغیظ»: و آن‌ها که خشم خود را در سینه فرو می‌خورند.

«والعافین عن الناس»: و از خطای مردم در می‌گذرند.



پی‌نوشت‌ها

۱. ر. ک. قاموس قرآن، ذیل واژه «ظلم».
۲. ر. ک. المیزان، ذیل آیه ۳۲ سوره فاطر از امام صادق (ع): «الظالم یحوم حرم نفسه...».
۳. این روایت بدین صورت است که «جناب عبدالعظیم حسنی» از امام جواد (ع) نقل می‌کند که پدرم امام رضا (ع) می‌فرمود: از پدرم موسی بن جعفر (ع) شنیدم که می‌فرمود: عمر بن عبید بر امام صادق (ع) وارد شد. پس چون سلام کرد و نشست، این آیه را تلاوت کرد: «والذین یجتنبون کبائر الأثم و الفواحش...» (شوری/ ۳۷) و سپس خاموش شد. امام فرمودند: چه باعث شد که ساکت شوی و ادامه ندهی؟ گفت: دوست دارم بدانم که مراد از کبائر در کتاب خدای عزوجل چیست؟ حضرت فرمود: آری ای عمر، بزرگ‌ترین گناهان کبیره شرک و زیندن است.
۴. قرآن درباره هر دو، واژه «جتنبوا» را به کار برده است. اجتناب از بت‌پرستی را در آیه سیم سوره مبارکه حج و اجتناب از شراب‌خواری را در آیه نود سوره مبارک مائده می‌توان مشاهده کرد.
۵. محمدتقی فلسفی، معاد، ج ۳، ص ۲۹۰، به نقل از بحار، ج ۳، ص ۳۲۵.

«تجری من تحتها الأنهار»: که نهرها از کف آن جاری است.
 «و ذلك الفوز العظيم» (نساء/ ۱۳): و این رستگاری بزرگی است.

۵. صابران

«إن الذین قالوا ربنا الله...: آنان که اظهار می‌دارند: پروردگار ما «الله» است.
 «ثم استقاموا»: و سپس بر این امر پایداری می‌کنند.
 «تتنزل علیهم الملائكة»: ملائکه بر آنان نازل می‌شوند.
 «ألا تخافوا و لا تحزنوا»: که هیچ ترس و حزن و اندوهی نداشته باشید.
 «و أبشروا بالجنة التي كنتم توعدون» (فصلت/ ۳۰): و شما را به همان بهشتی که وعده داده شده‌اید، بشارت باد.

۶. خائفان و خویشتن‌داران

«و أما من خاف مقام ربه...»: و هر کس از مقام پروردگارش خائف باشد
 «و نهی النفس عن الهوی»: و نفس خود را از هوس‌ها باز دارد
 «فإن الجنة هی المأوی» (نازعات/ ۴۱ - ۴۰): بدون شک بهشت جایگاه او خواهد بود.
 این مبحث را با ذکر حدیث زیر به پایان می‌بریم:

۷. پاکیزه‌سخنان و نمازگزاران در شب

عن ابي بصير عن الصادق عن ابائه (عليهم السلام) عن علي (ع) قال: قال رسول الله (ص): «إن فی الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها و باطنها من ظاهرها لا یسکنها من امتی إلا من أطاب الکلام و أطعم الطعام و أفسى السلام و أدام الصیام صلی بایل و الناس نیام»^۵
 امام صادق (ع) از پدران خود از جدش **علی بن ابی طالب (ع)** نقل فرموده است که رسول گرامی فرموده است: در بهشت غرفه‌هایی وجود دارد که برونش از درون و درونش از برون مشاهده می‌شود. این غرفه‌ها منزلگاه کسانی از امت اسلامی است که به پاکی سخن می‌گویند، گرسنگان را غذا می‌دهند و سلام را منتشر می‌سازند [به همه سلام می‌دهند] و در شب‌هنگام که دیگران در خواب‌اند، به نافله شب برمی‌خیزند و نماز می‌خوانند.

«والله یحب المحسنین»: و خداوند دوستدار نیکوکاران است.
 «والذین إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم...»: و آنان که اگر کار ناشایسته کنند یا خویشتن (با گناه) ظلمانی کنند.

«ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم»: خدا را به یاد آرند و از گناه آمرزش بخواهند.
 «و من یغفر الذنوب إلا الله»: و کیست غیر از خدا که گناهان را ببامرزد؟
 «و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون»: و اصرار در کار زشت نکنند، با آنکه می‌دانند.
 آن‌گاه در پایان کار اهل تقوا با ویژگی‌های بالا می‌فرماید:
 «و لئنک جزاؤهم...»: اینان‌اند که جزای اعمالشان.

«مغفرة من ربهم»: آمرزش پروردگارشان است.
 «و جنات تجری من تحتها الأنهار»: و بوستان‌های بهشت که نهرها از کف آن روان‌اند.
 «خالدین فیها»: در آنجا جاودانه خواهند بود.
 «و نعم أجر العالمین»: و چه نیکوست پاداش نیکوکاران.

۳. جهادگران و تلاش‌کنندگان در راه خدا

«لکن الرسول والذین آمنوا معه...»: اما پیامبر و مؤمنان همراه او
 «جاهدا بأموالهم و أنفسهم»: با مال و جان در راه خدا جهاد می‌کنند.
 «و اولئک لهم الخیرات»: و آن‌ها هستند که خیرات و نیکویی‌ها همه از آن آن‌هاست.
 «و اولئک هم الفلحون»: و هم آنان سعادت‌مند و رستگارند.
 «أعد الله لهم جنات تجری من تحتها الأنهار...»: خدای رحمان برای آنان بوستان‌هایی را مهیا کرده است که نهرها از کف آن روان‌اند.
 «خالدین فیها»: در آن جاودانه‌اند.
 «ذلك الفوز العظيم» (توبه/ ۸۹ - ۸۸): این همان رستگاری بزرگ است.

۴. مطیعان

«تلك حدود الله...»: این‌ها (و احکامی که بیان شد) حدود و مرزهای خدا هستند.
 «و من یطع الله و رسوله»: و هر کس پیرو امر خدا و رسول او باشد
 «یدخله جنات»: خدای رحمان او را به بوستان‌های بهشت وارد می‌کند.